

\* دانشجوی گرامی: لطفاً، گزینه ۱ را در قسمت کد سری سؤال برگه پاسخنامه خود، علامت بزنید. بديهی است، مسئولیت این امر بر عهده شما خواهد بود.

\* این آزمون نمره منفی ندارد.

\* الف. در هر یک از پرسش‌های ۱۰ - ۱ یک اصطلاح عرفانی تعریف شده است. تعیین کنید که تعریف ارائه شده مربوط به کدام یک از گزینه‌ها می‌باشد.

۱. «إفراط الحب الذاتي الساری فب جميع الموجودات.

الف. الهیمن

ب. الهوی

ج. المدام

د. الانجذاب

۲. ما يجده القلب فی الطمأ نینة عند تنزل الغیب هی نزل القلب یکسن الی شاهده مبادئ عین الیقین.»

الف. المشاهده

ب. المکاشفه

ج. السکینه

د. التجلی

۳. «وفوفک بالحق معک هذا إذا کان الحقّ عین قوی العبد.»

الف. المحاضره

ب. التجريد

ج. التفريد

د. جمع الجمع

۴. إشراف أنوار إقبال الحقّ علی قلوب المقبلین علیه، اختیار الخلوة و الإراض عن کلّ ما یشغلک عن الحق.

الف. التجلیات الاسمائیه

ب. التجلیات الأفعالیه

ج. المواجید

د. المکاشفه

۵. «الرجوع العارف الی الاحساس بعد الغیبه و زوال احساسه.»

الف. السكر

ب. الصحو

ج. الدلال

د. عین الجمع

۶. «کلمة علیها رادحة رعونة و دعوی و هی تاره توجد من المحققین.»

الف. الشطّح

ب. الأنیه

ج. المطرق

د. الأنانیه

۷. «أماطة السوء و الکن علی القلب و السرّ؛ إذا لا حجاب سوى الصور الکنیه.»

الف. التفريد

ب. المشاهده

ج. الشهود

د. التجريد

۸. «صفة أهل الحقائق و رسوخهم فی الاحوال، و هو حال أهل الوصول.»

الف. التلوین

ب. التمكن

ج. التجريد

د. التكوين

۹. «حقائق الواردات و الهیئات الفائضة علی القلب کالنجبة و الشوق و الوجد.»

الف. السکینه

ب. المحاضره

ج. التجلیات الاسمائیه

د. طواف المعانی

تعداد سؤال

زمان آزمون (دقیقه)

نام درس: متون عرفانی عربی (۲)

رشته تحصیلی: گرایش: الهیات (ادیان و عرفان)

کد درس: ۱۲۲۰۱۶۵

۱۰. «حضور القلب مع الحق فی الاستفاضة من اسمائه تعالی»

الف. المکاشفة

ب. المشاهدة

ج. المحاضرة

د. طمأنينة

\* بخش ۲

در این بخش در هر پرسش یک جمله یا عبارت از متن کتاب انتخاب و چهار ترجمه برای آن ارائه شده است. دقیق‌ترین ترجمه را تشخیص داده و در پاسخنامه ذکر کنید.

۱۱. «الجمال یبهر العقل»

الف. زیبایی عقل را حیران می‌کند.

ب. جمال عقل را نابود می‌کند.

ج. زیبایی عقل را ناتوان می‌کند.

د. جمال عقل را مست می‌کند.

۱۲. «و منهم من اشتاق إلى محبوبة من شدة محبته و تبرمه ببقائه شوقاً إلى لقاءه»

الف. و کسانی از آنها از شدت محبت مشتاق محبوب خود هستند و به امید لقاء او زنده‌اند.

ب. و آنها از اشتیاق به محبوب و شدت محب او و شوق به دیدار او بقای یافته‌اند.

ج. و کسانی از آنها از شدت محبت مشتاق محبوب خود هستند و شوق دیدار او هستی را برایشان ملالت بار کرده است.

د. و کسانی از آنها چنان مشتاق محبوب خود هستند و به او محبت دارند که بقاء او را بیشتر از دیدار او دوست می‌داند.

۱۳. «أنک جاهل به من حیث أنت و إنما عرفته من حیث هو»

الف. تو خود را مانند او نمی‌شناسی و او را آنگونه که هست می‌شناسی.

ب. تو از آن حیث که خودت هستی او را نمی‌شناسی اما از آن حیث که او هستی او را می‌شناسی.

ج. تو او را آنگونه که می‌تواندی نشناخته‌ای و او تو را آنگونه که هستی شناخته است.

د. تو تا زمانی که خود را آن گونه که هستی نشناسی نمی‌توانی او را آنگونه که هست بشناسی.

۱۴. «عجباً لمن یعلم أن الموت مصیره و القبر موده کیف تقرّ بالدنیا عینه»

الف. در شگفتم از کسی که می‌داند به سوی مرگ می‌رود و قبر مورد نظر اوست و چشم به دنیا می‌دوزد.

ب. شگفتا از کسی که می‌داند مرگ عاقبت او و قبر مدخل اوست و به دنیا شادمان می‌شود.

ج. در شگفتم از کسی که می‌داند مرگ مرجع اوست و قبر برای او در نظر گرفته شده است و چشم بر دنیا ثابت مانده است.

د. شگفتا از کسی که می‌داند مرگ سرنوشت اوست و قبر عابت او و چشمش به دنیا دارد.

۱۵. «إذا ذکرْتُک کاد الشوق یقلقنی و غفلتی عنک احزان و اوجاع»

الف. وقتی ذکر تو می‌گویم آورم شوق تو پریشانم کند و وقتی از تو غافلم درد و رنج فراوان دارم.

ب. وقتی تو را به یاد دارم شوق تو پریشانم کند و غفلتم از تو درد و رنج است.

ج. یا تو شوق و پریشانی همراه دارد و غفلت تو غم و رنج را

د. وقتی ذکر می‌گویم شوقم پر می‌کشد و وقتی غافلم درد و رنجم زیاد می‌شود.

۱۶. «فی محو اسمی و رسم جسمی سألتُ عنی فقلت: أنت»

الف. وقتی که نام و نشانم محو شد از من پرسیدی و من گفتم تو.

ب. وقتی که اسمم از میان رفت و تنها جسمم ماند از تو پرسیدم و پاسخ دادی

ج. وقتی که نامم و آثار جسمم محو شد پرسیدی کی هستی و گفتم: تو.

د. نامم را و صورت و جسمم را محو می‌کنی و از من می‌پرسی که کسی هستی.

۱۷. «أحطتُ علماً بکلّ شیءٍ فکلُّ شیءٍ أراه أنتُ»

الف. علم تو بر همه یز محیط است و همواره همه چیز را می‌بینی.

ب. علم تو بر همه چیز محیط است گویی که همه چیز را می‌بینی.

ج. علم من بر همه چیز احاطه دارد و هر چیزی را که می‌بینم تو هستی.

د. با علم بر همه چیز احاطه یافتم و تو را در همه چیز دیدم.

۱۸. «لا یعرف نفسه من صحبته شهوته»

الف. هر کس که با شهوتش مشورت کند نفس خود را نشناخته است.

ب. هر کس که مصاحب شهوت شود نمی‌تواند کسی را درست بشناسد.

ج. هر کس که شهوتش مصاحبش شود خود را نمی‌شناسد.

د. هیچ کسی نمی‌تواند آن کس را که شهوتش مصاحب اوست بشناسد.

۱۹. «إذا لم تقدر علی قیام اللیل و صیام النهار، فاعلم أنك محروم مکبّل کبّلک خطیئک»

الف. وقتی ناتوان از جهاد شبانه و روزه در روز هستی، بدان که محروم بی‌نوائی و بی‌نوائی تو نتیجه گناهانت است.

ب. وقتی نمی‌توانی که شب برخیزی و روز، روزه بگیری، پس بدان که از رحمت خدا محرومی و خطاهایت تو را از آن محروم کرده است.

ج. وقتی نمی‌توانی که شب برخیزی و روز، روزه بگیری، پس بدان که محروم دربندی و گناهت تو را دربند کرده است.

د. اگر نمی‌توانی شب به پا خیزی و روز، روزه بگیری، بدان که محروم بی‌نوائی و بی‌نوائی تو نتیجه گناهانت است.

۲۰. «إنّ النفس اذا جاعت و عطشت صفا القلب و رق»

الف. وقتی که گرسنه و تشنه می‌شوی قلبت لطیف می‌شود.

ب. وقتی نفس تو را حریص و تشنه می‌کند صفای قلبت از بین می‌رود.

ج. وقتی نفست را گرسنه و تشنه نگاه داری قلبت صاف و رقیق می‌شود.

د. وقتی نفس گرسنه و تشنه بشو قلب صفا و لطافت می‌یابد.

تعداد سؤال

زمان آزمون (دقیقه)

نام درس: متون عرفانی عربی (۲)

رشته تحصیلی: گرایش: الهیات (ادیان و عرفان)

کد درس: ۱۲۲۰۱۶۵

۲۱. «الرجاء الترويح من الله تعالى لقلوب الخائفين و لو لا ذلك لُتلفت نفوسهم و ذهلت عقولهم.»

الف. رجاء امیدی است از جانب خدای تعالی برای قلوب ترسندگان و اگر آن نبود نفوس آنها نابود شد و عقل‌هایشان ناتوان می‌گشت.

ب. رجاء موهبتی است از جانب خدای تعالی برای قلوب ترسندگان و اگر آن نبود نفوس آنها تلف و عقل‌هایشان حیران می‌شد.

ج. رجاء تجدید حیاتی است از جانب خدای تعالی برای قلوب ترسندگان و بدون آن نفوس آنها تلف و عقل‌هایشان سرگشته می‌شد.

د. رجاء بشارتی است از جانب خدای تعالی برای قلوب ترسندگان و بدو آن جان‌های آنها تلف و عقل‌های آنها گمراه می‌شد.

\* بخش سوم

در هر یک از پرسش‌های زیر مشخص کنید بخشی از جمله که زیر آن خط کشیده شده است به چه معنایی اشاره دارد؟

۲۲. قال ابن العطاء: إنّ الله شهد لنفسه بالفردانية و الصمدية و الأبدية.

الف. بی‌نیاز بودن ب. الوهیت

ج. غیرمادی بودن د. وحدانیت

۲۳. تطهير القلوب بحفظه عن ملاحظة الاجناس و الاغيار.

الف. چشم دوختن به دارائی‌ها ب. دل بستن به نعمت‌های دنیوی

ج. نظر به ثواب داشتن د. توجه به غیر خدا نمودن

۲۴. لو كلّ خارجة لها لغة ثنى عليك بما اوليت من حسن

الف. ترجیح دادن ب. نعمت دادن

ج. دوست داشتن د. امر کردن

۲۵. و معرفة الحقيق على أن لا سبيل اليها، لا متناع الصمدية و تحقيق الربوبية

الف. بی‌نیاز بودن ب. متعالی بودن

ج. الوهیت د. وحدانیت

۲۶. كلّ غذا بك فى سماع دائم و سماع من يهوى هواك مسرمد

الف. ازلی بودن ب. متعالی بودن

ج. دائم بودن د. دل‌انگیز بودن

\* بخش ۴

مترادف کلمات داده شده را مشخص کنید.

۲۷. التناغى

الف. الكلمه ب. الغبار

ج. الامل د. التمرّد

تعداد سوال

زمان آزمون (دقیقه)

نام درس: متون عرفانی عربی (۲)

رشته تحصیلی: گرایش: الهیات (ادیان و عرفان)

کد درس: ۱۲۲۰۱۶۵

۲۸. اشجان

الف. الهموم

ج. الطرق

۲۹. الرسم

الف. الاثر

ج. الحجاب

۳۰. الطوارق

الف. الآمال

ج. الدّواهی

ب. الاباحه

د. المنی

ب. الادب

د. القید

ب. المحابّ

د. المحذورات